

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

امام زمان علیه السلام
انتظار مؤمنان
وحشت مشرکان

۷ شهریور ۱۳۸۶

۱۵ شعبان ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱) .

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند .

« اللهم كن لوليك الحجة ابن الحسن صلواتك عليه وعلى آباءه في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً وقائداً وناصراً ودليلاً وعيناً حتى تسكنه أرضك طوعاً وتمتعه فيها طويلاً » « وامن علينا برضاه وهب لنا رأفته ودعائه ورحمته وخيره ورؤيته واجعل صلواتنا به مقبولة وذنوبنا به مغفورة وهمومنا به مكفية وحوائجنا به مقضية ودعائنا به مستجاباً وصل عليه وعلى آباءه الطيبين الطاهرين »^(۲) .

۱- سورة صف، آیه ۹ .

۲- المزار، صفحه ۵۸۴ .

محورهای بحث :

در مورد وجود مقدّس و مطهّر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب این ایام و بلکه صاحب همه ایام و همه عالم آفرینش، می توان از زوایای گوناگونی گفتگو کرد؛ از جمله این که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کیست؟ و چگونه به این مقام رسیده است؟ از چه راهی می توان به شناخت و معرفت ایشان دست یافت؟ چگونه باید ایشان را معرّفی نماییم؟ ویژگی های شخصی و راز طول عمر ایشان چیست و کیفیت زندگی حضرت چگونه است؟ مکان حیات و راه معیشت ایشان کجا است؟ ارتباطات و معاشرتهای ایشان به چه صورت است؟ و ما چه وظیفه ای در قبال ایشان داریم؟

برای پاسخ گویی به این پرسشها و هزاران پرسش از این دست، باید ساعتهای متمادی بحث و گفتگو نماییم.

قاعده امکان اشرف^(۱) :

در مباحث اولیّه این سلسله جلسات، براهین عقلی متعدّدی بر ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام اقامه نمودیم^(۲)، و بیان نمودیم که نظام هستی نمی تواند بدون وجود حجّت خدا، موجود شود و تداوم یابد؛ به عبارت دیگر وجود امام معصوم علیه السلام ضامن بقای عالم آفرینش می باشد^(۳).

۱- شرح منظومه سبزواری، جلد ۳ صفحه ۶۶۴.

۲- برای آگاهی بیشتر به جزوه های شماره ۲ و ۱ رجوع فرمایید.

۳- بنا به آنچه از روایات متعدّد به دست می آید اگر زمین لحظه ای از حجّت الهی خالی

نخستین برهانی که بر این مدعا اقامه نمودیم «قاعده امکان اشرف» نام داشت. مفاد برهان مذکور این است که، وجود، حیات، قدرت و اموری از این نوع، نخست به اطراف نزدیک، اشراف پیدا می‌کند و آنها را بهره‌مند می‌سازد، سپس نقاط دورتر را در بر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر فیض از مبدأ فیاض مطلق به مرحله اخس و پست نمی‌رسد، مگر آن که در رتبه و مرحله قبل موجود اشرف و عالی مستفیض شده باشد. به عنوان مثال، چراغی که روشن است، اول اطراف خود را روشن می‌کند، سپس نقاط دورتر را. و بدیهی است که اطراف چراغ از نور قوی‌تر و بیشتری برخوردارند. این برهان از بدیهی‌ترین براهین اثبات وجود امام علیه السلام است، چرا که محال است که چراغی نخست نقاط دورتر را روشن سازد و سپس اطراف نزدیک خود را روشن کند.

هنگامی که آفتاب قدوسیّت و الوهیت و شمس جلال و جمال الهی تجلی می‌کند و نظام هستی لباس وجود بر تن می‌کند و علم، حیات، قدرت، هیبت، سلطنت، کبریائیّت، جباریّت و جبروتیّت از ذات حق متجلی و ساطع می‌شود، نخست ماهیّات مقدّم و اشرف از این فضایل و کمالات بهره‌مند می‌گردند و سپس ماهیّات مادون و پست؛ بنابر این به وضوح روشن است که انوار مقدّسه اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، که خداوند نور آنها را قبل از آفرینش آسمان و زمین خلق کرد^(۱)، پیش از تمام موجودات عالم از فیوضات الهی بهره‌مند شده‌اند و اگر بنا به

→ شود زمین در خود فرو می‌رود. مثل روایت متواتر «لو لا الحجة لساخت الأرض بأهلها» [مستدرک سفینه البحار، جلد ۵ صفحه ۲۷۳].

۱- چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أول ما خلق الله نوري» اولین چیزی که خداوند

امامت باشد، اینان از همه سزاوارترند. به عنوان نمونه‌ای دیگر نقاطی که در خاوران (مشرق) قرار دارند زودتر از نقاط باختران (مغرب) از آفتاب و روشنایی بهره‌مند می‌گردند^(۱).

ائمه علیهم‌السلام وسایط فیض^(۲):

فیض الهی دائماً و بدون وقفه در حال جریان و سریان است و وجود شریف و عالی زودتر از وجودی که در رتبه پست و اخس قرار دارد، مستفیض و بهره‌مند می‌گردد. زیرا وجود اخس هرگز نمی‌تواند بی واسطه در معرض فیض الهی قرار گیرد؛ برهان امکان اشرف ضرورت وجود وسایط فیض یعنی حجت‌های الهی و ائمه علیهم‌السلام را ثابت می‌کند؛ بدین معنا که جریان فیض الهی نمی‌تواند بدون واسطه به مخلوقات و موجودات برسد. لزوم وجود واسطه به شدت، قدرت و تمامیت فیض الهی و ضعف، سستی و نقص دریافت مخلوقات باز می‌گردد و به عبارت دیگر، ضعف از فیاض نیست بلکه قابل و دریافت‌کننده فیض، قابلیت ندارد؛ به عنوان مثال، برق فشار قوی که در نیروگاه تولید می‌شود اگر بدون کنترل و تعدیل به برق شهری متصل گردد، تمام سیم‌های برق شهر می‌سوزد و از بین

→ آخرین نور وجود من بود. (بحار الانوار، جلد ۱ صفحه ۹۷) و حدیث امام صادق علیه‌السلام «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ نُورٍ عَظَمْتَهُ ثُمَّ صَوَّرَنَا مِنْ طِينٍ مَخْزُونَةٍ مَكْنُونَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ» به خوبی صدق قاعده امکان اشرف را اثبات می‌کند. (کافی، جلد ۱ صفحه ۳۸۹)

۱- آفتاب در خراسان زودتر از قم و کاشان طلوع می‌کند.

۲- برای آگاهی بیشتر به جزوه شماره ۹ صفحه ۱۵-۱۳ و جزوه شماره ۱۱ صفحه ۱۲-۱۱ رجوع فرمایید.

می‌رود. دستگاهی که به برق کم نیاز دارد را با ترانس به برق شهری وصل می‌کنیم. فشار شکن و ترانس، همانند واسطه‌هایی می‌باشند که نخست برق را دریافت کرده و به صورت تعدیل شده و مناسب با ظرفیت مصرف کننده ارسال می‌نمایند.

خداوند متعال فیاض علی الاطلاق است و در اعطاء فیض بخل و امساک نمی‌ورزد، اما موجودات و مخلوقات توان دریافت بی واسطه فیض الهی را ندارند و نیازمند وسایطی هستند که این فیض را دریافت کنند و به اندازه قابلیت وجودی هر کس به او اعطا نمایند.

انبیاء علیهم‌السلام و حضرات معصومین علیهم‌السلام وسایط فیض الهی هستند و تمام مکاتب فکری، که به نحوی به ادیان آسمانی متصل هستند، ضرورت وجود واسطه در فیض را می‌پذیرند، اما هر یک بر آن نامی مطابق با سلیقه خود نهاده‌اند؛ فلاسفه اشراق به آن کلمه قدسیه می‌گویند. فلاسفه مشاء آن را عقل فعال^(۱) می‌نامند، حکماء پهلوی^(۲) آن را کدبانو و خدای عالم نام نهاده‌اند، عرفا نام آن را انسان کامل^(۳) گذاشته‌اند و متکلمین اسلامی و متدینین از آن به حجّت الله و امام یاد می‌کنند به هر حال و با هر نامی که باشد وجود امام معصوم علیه‌السلام و حجّت الله ضروری است و نظام هستی در حدوث و بقاء به وجود آنان وابسته است.

۱- شرح الاسماء الحسنی، صفحه ۱۰۷.

۲- پهلوی یا فهلوی، به حکماء و اندیشمندان ایرانی قبل از ظهور اسلام گفته می‌شود و بسیاری از صاحب‌نظران حکماء پهلوی را پدر علوم عقلی و فلسفه می‌دانند.

۳- الحکمة المتعالیة، جلد ۷ صفحه ۳.

جایگاه حجج الهی در روایات :

به چند روایت در این زمینه توجه نمایید :

« الْحَجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ »^(۱).

حجّت [خدا] پیش از خلقت و همراه با آن و پس از آن می باشد.

رسول الله ﷺ می فرمایند :

« أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي »^(۲).

خداوند نخست نور (وجود) مرا آفرید.

ائمّه عليهم السلام و سایط فیضی هستند که با واسطه آنان فیض الهی در تمام ممکنات و ماهیات سریان و جریان پیدا می کند و بدون وجود پرپرکت آنان، عالم هستی، لباس وجود بر تن نخواهد کرد و به حق می توان ادعا کرد که عالم ساخته دست ایشان است^(۳) در همین رابطه در روایتی آمده است که

« لَوْلَا الْحَجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا »^(۴).

اگر حجّت الهی نباشد، زمین هر آن چه در اوست را فرو می برد.

اگر حجّت‌های الهی نباشند، عالم آفرینش از هم فرو می پاشد، زیرا عالم

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۱۷۷.

۲- بحار الانوار، جلد ۱ صفحه ۹۷.

۳- قال المهدی (عج): « نحن صنایع ربنا والخلق بعد صنایعنا ». ما مخلوقات پروردگاران هستیم و خلق بعد از ما [هر چه که هست] دست ساخته ما [اهل بیت] هستند. (صحیفه المهدی، صفحه ۳۳۰) و نهج البلاغه نامه ۲۸ (با اندکی تفاوت)

۴- مستدرک سفینه البحار، جلد ۵ صفحه ۲۷۳.

هستی بدون واسطه، قابلیت پذیرش فیض را از مبدأ فیاض را ندارد. از این روایت می‌فهمیم که اگر بر روی کره زمین تنها دو نفر باشند حتماً یکی از آن دو امام علیهما السلام خواهد بود. اگر نظام هستی بخواهد به حیات خود ادامه دهد و خورشید، ماه و ستارگان در مدار خود باشند باید امامی علیه السلام وجود داشته باشد و گر نه قیامت بر پا خواهد گردید، خداوند متعال در رابطه با قیامت می‌فرماید:

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ...﴾^(۱).

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود* و در آن هنگام ستارگان بی فروغ شوند* و در آن هنگام که کوهها به حرکت در آیند... و خورشید آن زمان سرد و تاریک می‌گردد که نور حیات بخش وجود امام علیه السلام بر او نتابد و اینجا است که خورشید هم بهانه‌ای برای گرمی بخشیدن ندارد.

علتهای چهارگانه^(۲):

یکی دیگر از راههایی که می‌توان به وسیله آن ضرورت وجود حجت الهی را اثبات کرد «علت غایی» است. برای فهم بهتر این راه باید توضیح مختصری در رابطه با علتهای چهارگانه (علل اربعه) ضروری ارایه شود. هر معلول ممکن است که بخواهد قدم در دایره وجود بگذارد به اعتقاد فلاسفه به چهار علت نیاز دارد؛ ۱ - علت صوری؛ ۲ - علت مادی؛ ۳ - علت فاعلی؛

۱- سوره تکویر، آیات ۳-۱.

۲- شرح منظومه سبزواری، جلد ۲ صفحه ۴۰۵.

۴ - علت غایی. به عنوان نمونه یک ساختمان برای به وجود آمدن به این چهار علت نیاز دارد؛ علت صوری که شکل و وضع موجود ساختمانی است که در ذهن خالق اثر ثبت شده و هنوز به مرحله عینیت نرسیده است که امروزه به آن طرح و نقشه می‌گویند. علت مادی یا مصالح که همان آجر و آهن و بقیه اجزاء تشکیل دهنده ساختمان هستند. علت فاعلی که عبارت است از معمار، مهندس و کارگری که ساختمان را می‌سازند و علت غایی که هدف و انگیزه‌ای است که سازنده را وادار به ساخت آن نموده است.

از نظر فلاسفه علت غایی، مهمترین علت است که به آن **علّة العلل** می‌گویند. باغبانی که درخت و نهالی را می‌کارد علت غایی او میوه و ثمره‌ای است که به دست می‌آورد، و علت غایی معماری که ساختمانی را می‌سازد، استفاده و سکونت در ساختمان می‌باشد. با وجود اینکه علت غایی از دیگر علل تأخر زمانی دارد ولی از همه آنها مهمتر می‌باشد و به لحاظ رتبه در صدر علل قرار دارد و تا انگیزه غایی سازنده برانگیخته نشود اثری خلق نخواهد شد. علت غایی و هدف نهایی آفرینش جهان هستی نزد پروردگار وجود انسان کامل و حجت الله می‌باشد که کرسی خلیفه اللهی را از آن خود گرداند.

باغبان اگر بداند این نهال برای او میوه و ثمری در پی نخواهد داشت، هرگز آن را غرس نخواهد کرد و به تعبیر ناصر خسرو باید درختان بی ثمر را در آتش سوزاند.

بسوزند چوب درختان بی بر سزا خود همین است مر بی‌بری را

ثمره و حاصل عالم هستی، وجود حجّت الله است. همانطور که بیان نمودیم، جهان هستی بدون وجود حجّت خداوند موجود نمی‌شود. اگر هم بر فرض بپذیریم که نظام هستی بدون حجّت الهی موجود شود ولی مانند همان درخت بی ثمر، فایده‌ای نخواهد داشت. و سزاوار سوختن و نابود شدن است. نسبت انسان کامل به سایر انسانها همانند نسبت انسان به حیوان می‌باشد و تقدّم انسان به حیوان همانند تقدّم حیوان بر نبات و نبات بر جماد می‌باشد. نبات را برای استفاده حیوان آفریده‌اند، نه بالعکس و حیوان را برای انسان قربانی می‌کنند، نه بالعکس، به عبارت دیگر همه چیز برای انسان و در خدمت انسان آفریده شده است.

شاعر این مطلب را بسیار زیبا به نظم در آورده و می‌گوید:

گر نبودى ميل و اوميد ثمر	كى نشاندی باغبان بيخ شجر
پس به معنی آن شجر از میوه زاد	گر بصورت از شجر بودش ولاد
مصطفی زین گفت کادم و انبیاء	خلف من باشند در زیر لوا
بهر این فرموده است آن ذوفنون	رمز نحن الآخرون السابقون
گر بصورت من زادم زادهام	من بمعنی جدّ جدّ افتادهام ^(۱)

تقدّم رتبی رسول الله ﷺ:

هر چند ممکن است که نبات، جماد و حیوان در چرخه آفرینش بر انسان تقدّم زمانی داشته باشند، اما همه چیز برای بشر و در خدمت اوست و همین بشر

۱- مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۵۲۶-۵۲۲.

مقدمه تبدیل شدن به انسان کامل، حجّت الله، کلمه قدسیّه و ... می باشد. گر چه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در خلقت بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقدّم زمانی داشت، اما رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند:

«كنت نبياً و آدم بين الماء والطين»^(۱).

من پیامبر بودم و آدم عَلَيْهِ السَّلَام در بین آب و گل بود [هنوز آفریده نشده بود].

«كنت نبياً و آدم منخول في طينته»^(۲).

من پیامبر بودم و خاک آدم عَلَيْهِ السَّلَام در حال غربال شدن بود.

بیانات رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز تقدّم رتبی ایشان بر تمام مخلوقات و نظام

آفرینش را نشان می دهد.

شرافت نیمه شعبان:

بسیار مناسب است که در این ایام شعبانیّه، که همزمان با ولادت گل سر سبد عالم خلقت، حجّت الله و مصداق یگانه انسان کامل حضرت حجّت بن الحسن (ارواح العالمین لتراب مقدمه فداه) نیز می باشد قدری در مورد امتیازات و ویژگیهای ایشان مطالعه و گفتگو کنیم و ببینیم که اجداد گرامیشان عَلَيْهِمُ السَّلَام در رابطه با ایشان چه بیاناتی فرموده اند.

حجّت الله ناطق، امام به حق صادق عَلَيْهِ السَّلَام در رابطه با فرزند با واسطه خود

می فرماید:

۱- بحار الانوار، جلد ۱۸ صفحه ۲۷۸.

۲- مناقب شهر آشوب، جلد ۱ صفحه ۱۸۴.

« لو أدركته لخدمته أيام حياتي »^(۱).

اگر ایشان [عجل الله فرجه الشريف] را دریابم، همه عمر در خدمتشان خواهم بود.

امام صادق علیه السلام در رابطه با شرافت این شب می فرماید^(۲):

« إنَّ اللَّيْلَةَ الَّتِي يُولَدُ فِيهَا الْقَائِمُ عليه السلام لَا يُولَدُ فِيهَا مَوْلُودٌ إِلَّا كَانَ مُؤْمِنًا وَإِنْ وُلِدَ فِي أَرْضِ الشَّرْكِ نَقَلَهُ اللَّهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِبِرْكَةِ الْإِمَامِ عليه السلام »^(۳).

در شبی که امام زمان علیه السلام به دنیا می آیند، هیچ طفلی متولد نمی شود مگر آنکه مؤمن باشد و اگر کسی در سرزمین کفر به دنیا آید، خداوند متعال او را به برکت امام علیه السلام به سرزمین ایمان منتقل خواهد نمود. سرّ چنین کرامتی این است که تمام متولّدین آن شب از نور پر برکت آن حضرت (عجل الله فرجه الشريف) بهره مند و مستفیض می گردند.

امتیازات خاص، امام زمان عجل الله فرجه الشريف:

امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) یک سری صفات و ویژگی هایی دارند که با سایر معصومین علیهم السلام مشترک می باشد و همچنین دارای امتیازاتی می باشند که مختص به وجود شریفشان است و به جز ایشان در کسی یافت نمی شود که

۱- کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، صفحه ۲۵۲.

۲- در رابطه با اعتبار و حجیت این روایت علامه مجلسی رحمته الله می گوید: این روایت را به خط شهید ثانی که از فقهاء بزرگ شیعه می باشد دیدم.

۳- بحار الانوار، جلد ۵۱ صفحه ۲۸.

همین امر باعث شناسایی و معرفی ایشان می‌شود. با توجه به آیات شریفه قرآن کریم به برخی از امتیازات خاص ایشان اشاره می‌نماییم.

الف - روشنی بخش زمین:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^(۱).

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند و میان آنها بحق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد.

این آیه اشاره به روز قیامت دارد، هنگامی که خورشید و ستارگان از نور افشانی باز می‌ایستند و کوهها به حرکت در می‌آیند، حیوانات گرد هم می‌آیند و دریاها بر افروخته می‌شوند.

در رابطه با روز قیامت، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ * وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ * وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ * وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾^(۲).

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود * و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند * و در آن هنگام که کوهها به حرکت در آیند * و در آن هنگام که با ارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده

۱- سوره زمر، آیه ۶۹.

۲- سوره تکویر، آیات ۶-۱.

شود* و در آن هنگام که وحوش جمع شوند* و در آن هنگام که دریاها بر افروخته شوند.

در روز قیامت که عالم تیره و تاریک گردد و خورشید به سردی می‌گراید، پروردگار با یک تجلی صحنه قیامت را روشن می‌نماید. اما در ذیل آیه فوق مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«ربّ الأرض یعنی امام الأرض. قلت: فإذا خرج یكون ماذا؟»

پروردگار زمین، [همان] امام زمین است، از امام علیه السلام پرسیدم، اگر امام علیه السلام ظهور کند چه اتفاقی روی می‌دهد؟

قال: إذا يستغني الناس عن ضوء الشمس و نور القمر و یجتزون بنور الإمام علیه السلام»^(۱).

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: در آن هنگام (ظهور امام علیه السلام) مردم از روشنایی آفتاب و نور ماه بی‌نیاز خواهند شد و فقط از نور امام علیه السلام بهره خواهند برد.

پیش از قیامت و قبل از آن که خداوند متعال با تجلی خود زمین را روشن نماید، با ظهور امام علیه السلام خورشید و ماه از نور افشانی دست بر می‌دارند؛ زیرا در برابر نور امام علیه السلام خجل می‌شوند و از پس حجاب بیرون نمی‌آیند. در حال چه این تعبیر واقعی باشد چه کنایی، این معنا را افاده می‌نماید که نور امام علیه السلام بر نور خورشید و ماه غلبه دارد.

۱- ارشاد، جلد ۲ صفحه ۳۸۱، با اندکی تغییر و معجم احادیث الإمام مهدی، جلد ۵ صفحه ۳۸۱.

برای اینکه نورانیت امام علیه السلام برای ما روشن تر گردد به روایتی دیگر توجه

فرمایید :

این روایت را حسن بن محبوب^(۱) از امام رضا علیه السلام نقل می نماید :

« لا بدّ من فتنة صماء صليم تسقط فيها كل بطانة ووليعة وذلك عند فقدان

الشيعة الثالث من ولدي^(۲) ؛

گریزی از فتنه ای که کور و کر خواهد کرد نیست^(۳) ، همه اسرار در آن

سقوط می کند [آشکار می شود] و فتنه علنی می شود و آن

هنگامی است که شیعیان در فقدان فرزند سوّم من [امام حسن

عسکری علیه السلام] به سر می برند .

بأبي وأمي سميّ جدّي صلّى الله عليه وآله شبيهى وشبيهه موسى بن عمران عليه السلام عليه

جيوب النور ، تتوقّد بشعاع ضياء القدس^(۴) .

پدر و مادرم به فدای کسی که [در آخر زمان ظهور می کند و] هم نام

جدّم رسول الله صلّى الله عليه وآله است ، به من و موسی بن عمران عليه السلام شباهت

دارد ، کیسه هایی از نور که سر چشمه در نور قدسی پروردگار دارد بر

او آویخته است .

۱- وی از فقها و اصحاب اجماع محسوب می شود . در اصطلاح اصحاب اجماع به کسانی گفته می شود که فقهاء اجماع و اتفاق به صحت خبر آنها دارند و به روایات آنها عمل می کنند .

۲- کتاب الغیبه ، شیخ طوسی ، صفحه ۴۳۹ و عیون اخبار الرضا علیه السلام ، جلد ۲ صفحه ۱۰ .

۳- مراد از فتنه کور و کر شاید فتنه ای باشد که راهی برای مهار آن وجود ندارد .

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام ، جلد ۲ صفحه ۹ .

شباهت امام رضا و امام زمان علیه السلام :

اینکه ثامن الحجج علیه السلام می فرمایند: امام آخر الزمان (عجل الله فرجه الشریف) شبیه به من است، منظور ایشان، شباهت ظاهری نمی باشد؛ یعنی همانطور که من شرط توحید هستم، امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) نیز شبیه به من است و شرط توحید خواهند بود و توحید بدون ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) نه تنها توحید نیست که عین شرک و گمراهی است.

حدیث شریف سلسله الذهب گویای این مطلب است. هنگامی که امام رضا علیه السلام به درخواست جمع فراوانی از مردم نیشابور - ده هزار یا سی هزار نفر - برای خواندن حدیثی، پاسخ مثبت دادند فرمودند:

« لا إله إلا الله حصني فمن دخل حصني أمن من عذابي ، قال ، فلما مرت
الراحلة نادانا بشروطها وأنا من شروطها»^(۱).

« لا اله الا الله » دژ مستحکم من است، هر کس وارد این دژ بشود از عذاب من در امان است، [راوی می گوید:] هنوز کاروان حرکت نکرده بود که امام علیه السلام فرمودند: به شرط هایش و من از شرط هایش هستم.

شباهت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و حضرت موسی علیه السلام :

امام رضا علیه السلام، در این حدیث شریف می فرمایند: امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) به حضرت موسی علیه السلام نیز شبیه است؛ یکی از معجزات حضرت

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد ۱ صفحه ۱۴۴.

موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ این بود که دست خود را در گریبان فرو می‌برد و وقتی آن را بیرون می‌آورد دستش نورانی می‌شد.

﴿وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءِ آيَةٍ أُخْرَىٰ﴾^(۱).

و دستت را به گریبانت ببر، تا سفید و بی عیب بیرون آید، این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است.

این نورانیت همراه امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) نیز می‌باشد اما نورانیت ایشان بسی فراتر و بالاتر از نورانیت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد، زیرا بر لباس آن حضرت (عجل الله فرجه الشريف) کیسه‌های از نور آویخته شده است که جنس آن از جنس نور دنیایی نیست بلکه منبع آن، نور قدسی پروردگار است و از آنجا سر چشمه می‌گیرد.

ب - برتری دهنده دین خدا:

ویژگی خاص دیگری را که برای امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) ذکر می‌کنند می‌توان از آیه ذیل استفاده نمود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۲).

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

۱- سوره طه، آیه ۲۲.

۲- سوره صف، آیه ۹.

خداوند متعال دین حق و هدایت را به رسول الله ﷺ عطا کرد و ایشان خاتم تمام پیامبران ﷺ و دین ایشان و خاتم تمام ادیان شد. علت غایی خداوند متعال از ختم نبوت این بود که، دین اسلام بر همه ادیان غلبه پیدا کند « لیظهره علی الدین کلّه »، ولی به وضوح می بینیم این که علت غایی و غلبه بر تمام ادیان هنوز در خارج محقق نشده است، از طرفی این نکته را نیز می دانیم که وعده خداوند حق است و تخلف بردار نیست، پیامبر خدا ﷺ هم که از دنیا رحلت فرمودند؛ پس باید زمانی برسد و شخصی باشد که این وعده حضرت حق، جلّ و علا، عملی شود. که با مراجعه به منابع روایی در می یابیم آن زمان، زمان ظهور و آن شخص وجود مقدّس حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. در ذیل این آیه شریفه امام صادق علیه السلام می فرماید:

« والله ما نزل تأویلها بعد ولا ينزل تأویلها حتی يخرج القائم علیه السلام فإذا خرج القائم علیه السلام لم يبق كافر بالله العظيم ولا مشرك بالامام الا كره خروجه؛ به خدا سوگند این آیه تأویل نشده است و تأویل نخواهد گردید مگر هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کنند، هنگامی که ایشان علیه السلام ظهور کنند، هیچ کافری به خداوند و مشرکی برای امام باقی نخواهد ماند مگر آنکه ناخرسند گردد.

حتی أن لو كان كافراً أو مشركاً في بطن صخرة لقاتل: یا مؤمن! فی بطنی کافر فاکسرنی واقتله»^(۱).

۱- کمال الدین، صفحه ۶۷۰.

در آن هنگام (ظهور امام عجل الله فرجه الشریف) اگر کافر با مشرکی در دل سنگی (کوه) پنهان گردد، آن سنگ فریاد می زند، ای مؤمن! در درون من کافری پنهان گشته است مرا بشکن و او را بکش.

آری! هنگامی که امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) ظهور نمایند افراد بسیاری ناخرسند و ناخشنود می گردند، و آنان کسانی نیستند جز کافران و کسانی که برای امام، شریک قائل اند و آنان کسانی هستند که به جز بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) ظل الله دیگری دارند؛ مانند برخی از اهل تسنن که تلقیات و اعتقادات نادرستی نسبت به حکام خود دارند، و خود را موظف می دانند که از سلاطین خود پیروی نمایند حتی اگر فاجر، فاسق و ظالم باشند.

امروزه در کشورهای پیشرفته مؤسساتی وجود دارد که مطالعات عمیق و دقیقی نسبت به موعود آخر الزمان دارند، و می خواهند بدانند کسی که از مکه و در کنار کعبه طلوع می کند و فریاد می زند: **يا أهل العالم أنا بقية الله**، کیست و چه وقت ظهور می کند؟ حتی بسیاری از آنان به خیال باطل خویش تلاش می کنند که برنامه ای برای مقابله با ایشان و نابود کردن نهضت حضرتش در نطفه طراحی کنند غافل از اینکه:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^(۱).

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

۱-سوره صف، آیه ۸.

ج - زره رسول خدا ﷺ به قامت ایشان :

ویژگی اختصاصی دیگر آن حضرت (عجل الله فرجه الشريف) این است که

زره رسول الله ﷺ متناسب با قد و قامت ایشان می باشد .

« تستوي عليه درع رسول الله ﷺ » (۱) .

زره رسول الله ﷺ متناسب با قامت ایشان می باشد .

در ادامه همین روایت امام صادق عليه السلام می فرمایند :

« إذا لبس درع رسول الله ﷺ كانت عليه وفقاً وإذا لبسها غيره من

الناس ، طويلهم أو قصيرهم ، زادت عليه شبراً » (۲) .

هنگامی که امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) زره رسول الله ﷺ را به تن

رأه تن نمایند به اندازه ایشان می باشد ، و اگر کس دیگری آن را به تن

کند حال بلند قد باشد یا کوتاه قد ، یک وجب از او بزرگتر خواهد بود .

در این زمینه امام صادق عليه السلام می فرمایند :

« لبس أبي درع رسول الله ﷺ فخطت على الأرض خطيماً ولبستها أنا

فكانت وكانت وقائماً من إذا لبسها ملاءها ان شاء الله » (۳) .

پدرم زره رسول الله ﷺ را به تن کردند و بر زمین کشیده شد ، من

نیز آنرا به تن کردم باز هم به زمین کشیده شد ، و قائم ما [عجل الله

فرجه الشريف] اگر آن را به تن کند ، به اندازه وی خواهد بود ان شاء الله .

۱- الحق المبين في معرفة المعصومين ، صفحة ۵۶۰ .

۲- همان مدارک و کافی ، جلد ۱ صفحه ۳۸۹ .

۳- همان مدارک و کافی ، جلد ۱ صفحه ۲۳۳ .

امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) چهره الهی :

در دعای ندبه که از ادعیه خاص امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) می باشد، آمده است :

«أين وجه الله الذي إليه يتوجه الأولياء... بنفسي أنت من عقيد عز لا يسامي»^(۱).

کجاست آن چهره خداوندی که اولیاء به سوی او متوجه می شوند...
جانم به فدایت تو آن رشته عزتی هستی که همانند ندارد.

خداوند متعال در رابطه با اولیاء الله می فرماید :

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۲).

آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند * همانا که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند * در زندگی دنیا و در آخرت شاد (و مسرور)ند، وعده های الهی تخلف ناپذیر است، این است آن رستگاری بزرگ.

اولیای الهی که هیچ ترس و غمی در دل ندارند و به مقامی رسیده اند که خداوند به آنان مژده و بشارت می دهد برای لقاء الهی باید دست به دامن حضرت

۱- اقبال الاعمال (دعای ندبه).

۲- سوره یونس، آیات ۶۴-۶۲.

بقیة الأعظم (عجل الله فرجه الشریف) بشوند؛ چرا که هیچ عزتمند و بلند پروازی نمی‌تواند بدون تمسک به آنان به درگاه الهی بار یابد.

داستانی از اولیاء الهی:

ملاً قاسم علی رشتی که از علماء تهران بود، برای فصل خصومتی که بین دو نفر از علماء اصفهان ایجاد شده بود به آنجا رفت. شب در قبرستان تخت فولاد، که مدفن پیامبران علیهم‌السلام و اولیای الهی است، ماند. می‌خواست در آن مکان مشغول مناجات شود که یادش آمد قلیان خود را به همراه نیاورده است. خادم خود را فرستاد که قلیانی برای او تهیه کند اما خادم پس از مدتی دست خالی بازگشت. در این هنگام مردی را دید که به سوی او می‌آمد و لباس سیاحان و جهانگردان را به تن دارد و چون به ملاً قاسم رسید به او سلام کرد و گفت: «شیخ قاسم علی چه می‌خواهی؟» شیخ در پاسخ گفت: «قلیان می‌خواهم». آن مرد گفت: «در کیسه من یکی هست». شیخ قاسم علی گفت، رفتم و قلیان را آماده کردم و کشیدم. سپس آن شخص به شیخ گفت: «هرگاه با مشکلی روبرو شدی این دعا را بخوان: یا محمد یا علی یا فاطمة یا صاحب الزمان أدرکني ولا تهلكني» شیخ پنداشت که این شخص بی سواد است به او گفت: «أدرکني [به صیغه مفرد] اشتباه است باید بگویی: (أدرکوني)». آن شخص در پاسخ گفت: «خیر، تمام کارها را آخرین فرد (صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف) انجام می‌دهد». شیخ گفت، دیدم این شخص مرد دانایی است و به نظرم رسید که از اولیا الهی باشد. به وی

گفتم: «زاد المسافر می‌خواهم». - که احتمالاً منظورشان علم کیمیا باشد - آن شخص گفت: «زاد المسافر به درد تو نمی‌خورد، هر وقت با مشکلی روبرو شدی این دعا را بخوان». شیخ گفت، می‌خواستم دعا را یادداشت کنم، که متوجه شدم قلم و کاغذ همراه خود نیاوردم. باز، آن شخص گفت: «چه می‌خواهی؟» گفتم: «قلم و کاغذ». گفت: «برو از همان کیسه بردار». شیخ گفت، وقتی در کیسه را باز کردم فقط قلم و کاغذ در آن بود و اثری از قلیان نبود با اینکه من خودم وسایل قلیان را در کیسه گذاشته بودم. شیخ می‌گوید بعد از آن جا به طرف کاشان حرکت کردم و به منزل سید محمد تقی پشت مشهدی - عموی بزرگوار ما - رفتم. ایشان سفره پهن کردند و پس از تناول شام در اتاق خود برای من رختخواب پهن کردند و هنگام خدا حافظی به من گفتند: «ملاً قاسم علی! اگر اصرار کرده بودی، زاد المسافر را نیز بدست می‌آوردی». به ایشان گفتم: «شما این ماجرا را از کجا می‌دانید؟» ایشان در پاسخ گفتند: «آن آقا هفته‌ای یک بار به این جا می‌آید». منقول است که: در بصره دو نفر نزدیک غروب به در مغازه مرد عطاری رفتند و کمی سدر و کافور خواستند. عطّار دریافت که این دو نفر غریبه هستند. از آنها پرسید: «سدر و کافور را برای چه می‌خواهید؟» آنان گفتند: «دوستمان از دنیا رفته است، اینها را برای غسل او می‌خواهیم». عطّار می‌گوید از آن دو پرسیدم: «دوستتان کجاست؟» گفتند: «در فلان جزیره». گفتم: «هوا آشفته و طوفانی است، چگونه به این جا آمدید؟» پس از سؤال و اصرار فراوان دریافتم که این دو از اصحاب خاصّ امام (عجل الله فرجه الشریف) هستند. با اصرار از آنان

خواستم مرا همراه خود ببرند. آن دو نفر گفتند: «ما اجازه نداریم کسی را با خود ببریم» به آنها گفتم: «تا هر کجا که امکان دارد مرا با خود ببرید؛ اگر اجازه‌ای صادر شد که توفیقی به دست آورده‌ام و گرنه باز می‌گردم» آنها پذیرفتند و با آنها تا کنار دریا رفتم. به دریا که رسیدیم آنها دست مرا گرفتند و به من گفتند: «بسم الله بگو و جز به وجود مقدس امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) به هیچ چیز دیگر فکر نکن». دست آنان را گرفتم و بر روی آب به راه افتادم. ناگهان، ابر سیاهی را در آسمان دیدم که با دیدن آن به یاد صابونهایی افتادم که درست کرده و بر بام خانه گذاشته بودم و بارش این ابر سیاه همه آنها را از بین می‌برد. همین که به یاد صابونها افتادم و از یاد حضرت ولی عصر عجل الله فرجه غافل شدم دیدم که در حال غرق شدن هستم. آن دو دوباره دست مرا گرفتند و بار دیگر به من تذکر دادند که به چیزی جز وجود مقدس حضرت حجت (عج) فکر نکنم. در این حال و هوا بودم که یک خیمه نمایان شد. شوق و عشق دیدار مرا بی قرار کرده بود اما همین که به نزدیکی خیمه رسیدم شنیدم که صدای زیبا و دلنشینی از خیمه به گوش می‌رسد که فرمود:

«رَدَّوْهُ فَإِنَّهُ رَجُلٌ صَابُونِي»^(۱).

او را باز گردانید که او مردی صابونی است.

آری! او صابونهایش را بیشتر از ما دوست دارد و لذا توفیق دیدار نصیبش

نمی‌گردد.

۱- الزام الناصب فی اثبات حجة الغائب، جلد ۲ صفحه ۳۱.

اگر ما بخواهیم که با دستگاہ ولایت و سیادت ارتباط برقرار کنیم، باید باور داشته باشیم کہ آن حضرت (عجل الله فرجه الشریف) مشرف و ناظر بر همهٔ اعمال و کردار ما است و ما را می بیند و ما باید طبق میل، خواست و رضایت ایشان عمل نماییم. انشاء الله این توفیق، رفیق همهٔ ما گردد.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ بِرِکَاتِهِ »

خود آزمایی :

- ۱) قاعدهٔ امکان اشرف را توضیح دهید .
- ۲) وسایط فیض الهی چه کسانی هستند؟ ضرورت وجود آنها را بیان نمایید.
- ۳) علت‌های چهارگانه را توضیح دهید ، علة العلل آفرینش جهان چیست ؟
- ۴) رسول الله ﷺ در مورد تقدّم خود بر حضرت آدم ﷺ چه فرموده‌اند؟
- ۵) اگر حجت خدا نباشد چه اتفاقی برای جهان آفرینش خواهد افتاد، چرا؟
- ۶) روایتی در رابطه با شرافت نیمهٔ شعبان بیان کنید .
- ۷) با استفاده از آیه و روایتی ثابت کنید که امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) روشن بخش زمین است .
- ۸) شباهت امام رضا ﷺ و امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) را بیان کنید .
- ۹) شباهت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) با حضرت موسی ﷺ در چیست؟
- ۱۰) با استفاده از آیه و روایتی ثابت کنید ، امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) برتری دهندهٔ دین اسلام بر تمام ادیان هستند .
- ۱۱) اولیای الهی برای وصول و لقاء خداوند باید دست به دامن چه کسی بشوند؟
- ۱۲) نگرانی مشرکین از ظهور امام زمان ﷺ را بر اساس آیهٔ شریفه و عملکرد آنها روشن کنید .

امروزه در کشورهای پیشرفته
مؤسساتی وجود دارد که مطالعات عمیق و
دقیقی نسبت به موعود آخر الزمان دارند ،
و می خواهند بدانند کسی که از مگه و در
کنار کعبه طلوع می کند و فریاد می زند : یا
أهل العالم أنا بقیه الله ، کیست و چه وقت
ظهور می کند ؟ حتی بسیاری از آنان به
خیال باطل خویش تلاش می کنند که
برنامه ای برای مقابله با ایشان و نابود کردن
نهضت حضرتش در نطفه طراحی کنند
غافل از اینکه : (صفحه ۲۰ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳